



اهداف جمهوری اسلامی در منطقه، مصافهای منطقه ای جنبش آزادی زن

صفحه ۲

گفتگو با آذر ماجدی



داعش، زنان، کوبانی و سنگال

صفحه ۴

سیاوش دانشور



نگاه جامعه به زن!

صفحه ۸

شها نوری

از سایت جدید سازمان
آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.org

بوکو حرام دختران ربوده شده
را میفروشد!

"به زودی دختران را به دستور
الله در بازار خواهید دید"

ایران: ازدواج کودکان

ازدواج سی هزار دختر زیر ۱۵ سال در ۹ ماه ابتدایی سال ۹۲

بدون شرح:

از بیانیه ستاد نیروهای مسلح جمهوری
اسلامی علیه حجاب

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



اهداف جمهوری اسلامی در منطقه، مصافهای منطقه ای جنبش آزادی زن

گفتگو با آذر ماجدی به نقل از کمونیست ماهانه

مردم عراق انداخته شده است.

از موضوع سوال دور نشویم. رژیم اسلامی در این بلبشو و بحران در منطقه می کوشد که یک جایگاه مهم برای خود کسب کند: ائتلاف با بشار اسد و مقابله با نیروهای داعش در عراق بخشی از این استراتژی است. اما بنظر می رسد که در تحولات اخیر در منطقه موقعیت جمهوری اسلامی تضعیف شده است. عروج داعش بعنوان یک قدرت اسلامی با پشتیبانی رسمی و علنی عربستان سعودی و قطر و پشتیبانی پنهان آمریکا و غرب و فعال شدن حماس، که پس از آغاز جنگ داخلی در سوریه از موئتلفین سابق برید و به ترکیه نزدیک شد، توازن قوای درون نیروهای اسلامی را فی الحال بضرر جمهوری اسلامی تغییر داده است. در شرایط حاضر جمهوری اسلامی، رژیم اسد و حزب الله در یک قطب قرار دارند. اما باید بخاطر داشت که اوضاع در منطقه بسیار سیال است و قطب بندی ها می تواند تغییر کند.

موقعیت جمهوری اسلامی در تحلیل نهایی درون جامعه ایران تعیین می شود. رژیم اسلامی با یک جنبش سرنگونی توده ای روبرو است که افت و خیزهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. رژیم اسلامی بزور سرکوب و کشتار بر دریایی از نفرت حکم می راند. مردم از هر فرصتی برای ضربه زدن به آن و عقب نشاندنش استفاده می کنند. جنبش سرنگونی مردم ایران تنها نیرویی است که قادر به خارج کردن رژیم اسلامی از درون معادلات منطقه ای است. بعلاوه، سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مبارزات انقلابی مردم

کمونیست ماهانه: جمهوری اسلامی در بحران و رقابتهای منطقه ای چه سیاست و اهدافی را دنبال میکند؟ در قلمرو سیاست ایران چگونه باید با این سیاستهای ارتجاعی مقابله کرد؟

آذر ماجدی: جمهوری اسلامی طی سه دهه اخیر همواره کوشیده است که در قطب بندی های منطقه و بین المللی نقش فعال ایفاء کند. تلاش برای دستیابی به رهبری یک قطب تروریستی اسلامی نقش حیاتی برای بقای رژیم اسلامی داشته است. تروریسم اسلامی یک تهدید مهم برای بشریت امروز است. در دنیای پس از جنگ سرد تروریسم اسلامی بعنوان یک قطب در مقابل آمریکا و غرب، یعنی تروریسم دولتی، عروج کرده است. لیکن باید بخاطر داشت که نیروهای اسلامی همه در یک صف بندی قرار ندارند.

در واقعیت امر آمریکا و غرب نقش اساسی در شکل دادن به و قدرتیابی نیروهای اسلامی داشته اند. راه دور نمی رویم، قدرتیابی رژیم اسلامی در ایران و نیروهای اسلامی در افغانستان محصول و نتیجه مستقیم سیاست های غرب و حماس ساخته اسرائیل اند. اما در اینجا قطب بندهای دهه اخیر را مد نظر داریم. حمله آمریکا و بریتانیا به عراق موجب تحکیم قدرت رژیم اسلامی در عراق و منطقه شد و به تبع آن قدرتیابی حزب الله بعنوان یک موئتلف رژیم اسلامی. بدنبال خیزش انقلابی مردم منطقه، آمریکا و غرب به تقویت نیروهای اسلامی مشغول شدند. قدرتیابی اخوان المسلمین در مصر و اسلامیت ها در تونس با پشتیبانی و حمایت کامل آمریکا انجام گرفت. داعش، این هیولای جنایت و کشتار دست ساز آمریکا است و رهبر آن توسط سازمان موساد تعلیم داده شده است. داعش بقصد جنگ با بشار اسد ساخته شد و اکنون بجان

ضربه بسیار محکمی به کل نیروهای اسلامی در منطقه و سیاست ارتجاعی آمریکا، اسرائیل و غرب در پر و بال دادن به نیروهای اسلامی و دائمی کردن شرایط بحران و آشوب در منطقه وارد خواهد آورد.

کمونیست ماهانه: تا به جنبش برای آزادی و برابری مربوط است، مصافهای منطقه ای بویژه در خاورمیانه کدامند و چه تأثیراتی بر سیاست در ایران دارند؟ کدام اشکال سازماندهی و پراتیک انقلابی در ایندوره ضروری شده اند؟

آذر ماجدی: تلاش برای تثبیت سیاست نظم نوین جهانی که از اوایل دهه 90 میلادی توسط آمریکا و موئتلفینش دنبال شده است، ایجاد یک شرایط بحران و آشوب در منطقه را ایجاب کرده است. از سال 1991 آمریکا و موئتلفینش دوبار به عراق حمله کردند. در این دوره جامعه عراق را به ویرانی و نابودی کامل کشانده اند. بیش از یک میلیون کشته و تعداد بسیار بیشتری مجروح و معلول و آواره نتیجه این سیاست وحشیانه و تروریستی آمریکا و موئتلفینش است. جامعه عراق هر روز ویرانتر و بی آینده تر شده است و اکنون با رها کردن هیولای داعش بجان این مردم بخت برگشته هر نوع امیدی برای بازسازی یک جامعه متمدن، برخوردار از یک مدنیت انسانی رخت بر بسته است. افغانستان به یک تله خاک بدل شده است و اسلامیت ها و یک مشت و دزد سرگردنه بجان مردم افتاده اند. سوریه در کشاکش یک جنگ داخلی میسوزد و ویران می شود. لیبی با

اهداف جمهوری اسلامی در منطقه،

مصافهای منطقه ای جنبش آزادی زن ...

دخالت ناتو اکنون تحت حاکمیت یک نیروی تروریست اسلامی قرار دارد. اسرائیل با دامن زدن به یک جنگ جدید علیه مردم غزه، عملاً یک پاکسازی قومی را سازمان داده است. علیرغم اعتراضات وسیع توده ای در سراسر جهان، بی اعتنا به کشتار و ویرانی ادامه می دهد.

یک تصویر ساتلایتی از منطقه نشانگر منطقه ای به آتش کشیده شده است. باید کاملاً توجه داشت که مبارزه در این منطقه برای دستیابی به هر گونه مدنیت، صلح و آرامش و یک جامعه انسانی متضمن مبارزه علیه هر دو قطب تروریستی است. ما این حکم مهم را در سال 2001، همزمان با حمله غرب به افغانستان اعلام کردیم (منصور حکمت، دنیا پس از یازده سپتامبر) و اکنون پس از سیزده سال، جنگ تروریست ها کل منطقه را به آتش و خون کشیده است. امروز بیش از هر زمان سازمانیابی قطب سوم، قطب بشریت از ادیخواه، متمدن و انساندوست مبرمیت بیشتری یافته است. جامعه انسانی آمادگی خود برای مقابله با این بربریت را بویژه در تظاهرات اعتراضی وسیع و توده ای جهانی علیه اسرائیل و در دفاع از مردم فلسطین بنمایش گذاشته است. باید کوشید تا تحلیل کمونیسم کارگری از اوضاع جهانی و منطقه، همدستی پایه ای دو قطب تروریستی، اهداف و منافع هر دو قطب در تداوم این جنگ وسیعاً پخش و پذیرفته شود.

کمونیسم کارگری وظیفه مهم و خطیری در پایان دادن به این شرایط بعهده دارد. در شرایط حاضر نلش برای پایان دادن به سناریوی سیاهی که بر جامعه عراق سایه انداخته است و ممانعت از تسری آن به ایران یک وظیفه بسیار مهم ماست. *

بدون شرح:

از بیانیه ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی علیه حجاب

"... یکی از اهداف و راهبردهای نظام سلطه ترویج لابیگری و بی‌قیدی و گسترش بی‌بند و باری و نقض هنجارهای قانونی و شرعی در جامعه اسلامی ایران است. جریان‌سازی برای تهدید و تعرض به حریم عفاف و حجاب با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای و راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی متعدد در راستای "جنگ نرم و تهاجم فرهنگی" علیه انقلاب اسلامی برنامه ریزی شده است." ستاد نیروهای مسلح از بی توجهی به اظهارات خامنه ای در مورد "تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، قتل‌عام فرهنگی، غارت فرهنگی، ناتوی فرهنگی و جنگ نرم" انتقاد کرده است.

ستاد نیروها مسلح خواستار "بکارگیری ظرفیت‌های درونی و نیز حمایت جدی از جریان‌های مومن عامل به بسط فریضه امر به معروف و نهی از منکر" شده است. ستاد با اعلام آمادگی نیروهای مسلح به ویژه بخش‌های فرهنگی، اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی، تصریح می‌کند: "صیانت از ارزش‌های فرهنگی و دینی و برخورد با هنجارشکنان و مصادیق نقض هنجارهای قانونی و شرعی را وظیفه خود دانسته و ظرفیت‌های موجود خود را برای کمک در این راستا به کار خواهیم گرفت."

یک حکومت و اینهمه پاسدار و بسیجی و ارتش و باند و گروه اوباش از پس یک قلم "بد حجابی" خانمها بر نمی آید. زنده باد جنبش آزادی زن! نه به حجاب! نه به آپارتاید جنسی! *

لینک مصاحبه کریم نوری با آذر ماجدی در باره کشتار دهه ۶۰ و اعتراض به داعش

http://youtu.be/FI_FiuYXQyQ

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران از شبکه

هات برد

مگانه‌تر: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

KMTV

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سرمدیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، سیاوش دانشور

برابری کامل و بی‌قید و شرط زن و مرد!

جنس مردم در شنگال بودند. ضمن احترام عمیق و ارج گذاشتن به حرکت انسانی در شهرهای ایران در همبستگی با مردم آواره شنگال، بویژه در دورانی که هویت قومی- مذهبی- قبیله ای- عشیره ای را دارند وسیله قصابی انسانها و زمینه عروج داعش ها میکنند، باید مواظب باشیم که یک نوع ناسیونالیسم نهفته و خاموش جهت سیاست و عمل ما را تعیین نکند.

کوبانی و مقاومت توده ای در مقابل داعش

وضعیت کنونی در کردستان سوریه و استقرار نوعی قدرت توده ای محصول بحران و جنگ در سوریه و توافقاتی بین دولت اسد و نیروهای ناسیونالیست در



کردستان سوریه است. همه میدانند که یک نمونه نادر در ایندوره مسلح شدن زنان و نیروی ویژه دفاع از زنان در کوبانی در مقابل داعش بوده است. این زنان، مستقل از اینکه کدام تمایلات سیاسی را نمایندگی میکنند، خیلی صریح گفته اند که "داعش میخواهد ما را به بربریت برگرداند و ما اینرا قبول نمیکنیم، زن و مرد برابرند". کوبانی موفق بود و هنوز در آماده باش و جنگ با ارتجاع اسلامی داعش است. صحنه های شورانگیزی که این مقاومت توده ای خلق کرد و شکست هائی که با داعش تحمیل کرد، از اولین جلوه های مقاومت و جنگ علیه داعش بود. برخورد رسانه ها با این حرکت نیز قابل تامل است. بزعم این صنعت خبری قلم به مزد "این حرکت گرونی اصلا وجود نداشت!" و کمترین انعکاس سمپاتیک و حتی خنثی را در بیشتر رسانه های اصلی جهان گرفت. دلیل تنها این میتواند باشد که بسیج توده ای علیه تروریسم و اسلامیسیم منجر به استقرار نوعی قدرت توده ای میشود و این با منافع و

صفحه ۵



داعش، زنان، کوبانی و شنگال

سیاوش دانشپور

کردستان ماهیتا تفاوتی ندارند. در موصل و شهرهای عرب زبان تا شنگال و مردم منتسب به "ایزدی" همه انسانهای بیدفاعی هستند که قربانی توحش قرن بیست و یکمی سرمایه داری میشوند. همه جا آوارگی و جنایت وسیع بوده است. بنا به آمار سازمان ملل از زمان تهاجم داعش به شهرهای عراق بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر آواره شدند. تنها بعد از اشغال موصل بیش از ۵۰۰ هزار نفر در استان غربی انبار، مجبور به ترک خانه های خود شدند. مردم منتسب به "ایزدی" شنگال که جمعیتی حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر دارد با حمله داعش عمدتا آواره شدند. در شنگال یک فاجعه انسانی رخ داده که هنوز و هر روز قربانی میگیرد. داعش با حمله به مناطق ایزدی نشین شروع به قتل عام کرد. از کشتار دستجمعی تا تجاوز به زنان و جنایات فجیع علیه مردم بیدفاع و آوارگی وسیع حاصل حمله داعش به شنگال بوده است.



جای تاسف است که روحیه انساندوستی و نوع دوستی که بدرست برای مردم ستمدیده شنگال بمیدان آمد برای مردم در موصل و دیگر شهرهای عراق تکان نخورد. زنانی که برای اولین بار در موصل به حکم "جهاد نکاح" مورد تجاوز قرار گرفتند و در بازار برده فروشی به نرخ کمتر از صد دلار فروخته شدند، کودکانی که بمب شدند و منفجر شدند، و خانواده هائی که دسته جمعی تیرباران شدند، همه انسانهایی از

اینروزها توحش داعش علیه مردم بخت برگشته در عراق در مرکز توجه جهانیان قرار دارد. البته این تمرکز خبری را رسانه ها هدایت و مدیریت میکنند. اسرائیل همزمان در غزه کشتار میکند، بیش از ۲۰۰۰ زن و کودک داعش گونه تکه پاره و کشته و زخمی شدند، اما نه آمریکا عملیاتی "بشر دوستانه" انجام میدهد و نه کشورهای اروپائی برای مردم بیدفاع فلسطین اسلحه و غذا و دارو میفرستند. همین رسانه ها روزی توجه ها را روی اوکراین متمرکز میکنند و وقتی فاشیسم دست پروده غرب را در قدرت سیاسی میبینید، بسرعت دوربین ها جای دیگری زوم میکنند. در مورد سوریه نیز همین اتفاق افتاده است. کشوری که ابتدا مردم قیام کردند و سپس دخالت نظامی و "ارتش آزاد" و القاعده و بشار اسد و جمهوری اسلامی و داعش آنرا به جنگی خانمان برانداز تبدیل کردند که هنوز هم ادامه دارد و قربانیان و آوارگانش نه فقط کمتر از عراق و شنگال نیست بلکه رکورد زده است. داعش ابتدا در سوریه سر بریدن و جگر خوردن را شروع کرد.

به هر حال قصد این یادداشت تحلیل داعش و مسائل منطقه و شرایطی که داعش را بجلوی صحنه میراند نیست. هدف یک مقایسه تحلیلی بین موقعیت زنان در دو نقطه کردستان سوریه و عراق است که در دوره بحران و جنگ نتایج متفاوتی ببار می آورد.



ابتدا باید تاکید کرد که جنایات داعش در سوریه و شهرهای عراق و شهرهای

اسلام ضد زن است!

ایران که از فرط تکرار او را "مبارزه مسالمت آمیز" ظاهراً زیادی نازک نارنجی و رقیق شدند، ایراد گرفتند که چرا زنان را مسلح کردند؟ میگویند: "زن مادر است و صلح طلب! اسلحه این هویت را از زن میگیرد!" نمیدانم اگر داعش به این خانمها حمله میکرد شاخه زیتون دست شان میگرفتند و یا در "جهاد نکاح" همراه میشدند و یا کاری برای دفاع از حرمت فردی و انسانی شان



میکردند؟ این اظهارات البته بی پایه تر و غیر جدی تر از آنست که به آن پاسخ داد. اگر نکته ای این خانمها را به این موضعگیری کشانده است تنها این میتواند باشد که الگوی کوبانی و زنانش میتواند بساط اصلاح طلبی دینی را کسادتر از کساد کند. آخر ماموریت و جست و خیز



این خانمها و جریان اصلاح طلب حکومتی اینگونه که علیه حکومت توحش اسلامی "خشونت زدانی" کنند، در هشت مارس آش رشته نظری ببزنند، و با "آخوندهای معتدل و طرفدار حقوق زن" حشر و نشر داشته باشند. اینها گروه خونشان با زنان کوبانی جور در نمی آید.

مورد زنان کوبانی و زنان "ایزدی" در منطقه ای بنام کردستان با فرهنگ و قوانین تقریباً یکسان و ضد زن، دو تجربه است که در متن تهاجم ارتجاع تروریستی پیش روی ما قرار گرفته است. این تجربه ای است که میتواند

صفحه ۶



گیرنده در منطقه هستند. زنان و کودکان در رده احشام محسوب میشوند و قوانین مذهبی و خرافی حکم میراند. مردم زحمتکش این منطقه در سرتاسر عراق مشغول کارهای سخت با دستمزد کم هستند. شرایط زندگی و تاریخ سلطه سیاه ارتجاع بر این مردم، از آنها مردمی بی دفاع و ناتوان ساخته است. حتی وقتی نیروهای داعش در این منطقه جنایت جمعی مرتکب میشوند و به زنان تجاوز میکنند، "امیر" دستور میدهد که این زنان حق ندارند به خانه شان برگردند! در یکمورد چند زن له شده و مورد تجاوز قرار گرفته، بجای اینکه در حمایت خانواده و مردم "ایزدی" قرار گیرند، ناچار میشوند خودکشی کنند! "ایزدی" بودن و مورد تجاوز داعش قرار گرفتن ظاهراً در فرهنگ مسلط و ارتجاعی حاکم راهی جز خودکشی ندارد! موردی که در بسیاری مناطق تجربه اش وجود دارد و زن قربانی نهایتاً توسط خانواده و قبایل کشته میشود. این زنان و این مردم با این فرهنگ و این مناسبات نمیتوانستند در مقابل داعش سدی ببندند. آنها متأسفانه تنها میتوانستند فرار کنند و قربانی شوند.

زن آزاد و تقابل با ارتجاع

دفاع از خود شاید مشروع ترین مسئله ای باشد که در دنیای امروز وجود دارد. از این فعلاً میگذریم که دولتها تحت این عنوان چه جناباتی میکنند. اما تا به مردم "عادی" مربوط است، دفاع از خود در مقابل مخاطرات را هیچ قانون نیمچه عاقلانه هم نمیتواند در نظر بگیرد. زنان و مردم در کوبانی نمیتوانستند سرنوشتی مانند مردم منتسب به "ایزدی" در شنگال پیدا کنند. سوال اینست چرا این اتفاق نیفتاد و این چه درسی دارد؟

همینجا باید اشاره کرد که تعدادی از خانمهای اسلام زده و اصلاح طلب در

داعش، زنان، کوبانی و شنگال ...

سیاست دول غربی و کسانی که در بحران ذیفع و درگیرند خوانائی ندارد. اما حمله آمریکا به داعش و یا ارسال اسلحه برای کردستان و تظاهراتهای ناسیونالیستها با شعار "تانکیو یو اس ای" باید هم در صدر اخبار قرار گیرند. هرچه باشد، داعش سبب خیر شده و آمریکای شکست خورده در عراق و متحدینش بار دیگر با ژست "بشر دوستانه" به منطقه برمگردند. گام بعدی حمله نظامی به سوریه است چون پایگاه و پشت جبهه داعش آنجاست. زنان کوبانی و



مقاومت توده ای علیه داعش اما ریشه های عمیق تری دارد که دیر یا زود خود را به صحنه سیاسی در کل عراق تحمیل میکند. وقتی که مردم هیچ راهی جز مقابله با تروریستهای متفرقه ندارند، ناچارند مسلح شوند، خود را سازمان دهند، از خانواده و خانه و مدرسه و بیمارستان شان نگهداری و دفاع کنند.

زنان "ایزدی" در شنگال

زنان در کردستان عراق بیحقوق اند و در دوره استقرار قدرت ناسیونالیستها بیحقوق تر هم شده اند. اما در کردستان عراق علیرغم بیحقوقی همگانی زنان، مناطقی وجود دارد که همان حقوق بدوی را هم ندارد. منطقه شنگال و مردم منتسب به "ایزدی"، جزو عقب نگاه داشته ترین بخشهای کردستان در عراق اند. در این منطقه فرهنگ عشائری تماماً حکم میراند. سر عشیره ها و "امیر"ها حکام و تصمیم

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



داعش، زنان، کوبانی و سنگال ...

آنچه مهم است دفاع از برابری زن و مرد در متن همین ارتجاع و جنگ تروریستی و سازماندهی دفاع از خود بقدرت نیروی توده ای است. آمریکا و دول غربی نهایتاً میخواهند "ثبات" را موقتاً به عراق برگردانند، جنگ و تروریسم را در نقاط دیگری در خدمت اهداف کوتاه مدت و دراز مدت خویش دنبال کنند. در شرایطی که امنیت کیمیا شده و اوضاعی پیش آمده که انسانها را به عصر حجر برمگردانند، در شرایطی که هر نیروی تروریست و آدمکش قدرتی شده و سبعانه جنایت میکند، چرا مردم حق ندارند مسلح شوند و قدرت خویش

روز از تروریستهای متفرقه گروهی جدید تولید میکند. جنبش و مبارزه برای آزادی و برابری نیز باید این واقعیت و داده سیاست امروز را در نظر بگیرد و متناسب با آن سیاست و تاکتیک درخور داشته باشد. آمریکا که خود خالق این نیروهای مخوف است بسادگی کلید تروریسم اسلامی را خاموش نمیکند. این کار بشریتی است که در ترور و تحجر نفعی ندارد. زنان و جنبش برای آزادی زن در منطقه یک رکن مهم این نیروی سوم است و زنان کوبانی یک الگو برای مقاومت و جنگ با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی! زنده باد مقاومت توده ای زنان علیه تروریسم و برای آزادی و برابری!

25-08-2014

معینی را ایجاد کند تا در دوره بحران بتواند نیرویش را آزاد کند. پدیده داعش جدید نیست، این ادامه القاعده و بوکوحرام و طالبان و جمهوری اسلامی است. سازندگان و حامیان این نیروهای کثیف هم معرّفه و معلوم اند. این دنیای



کثیف هنوز به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و پدیده داعش نیاز دارد و هر



را در مقابل این گانگسترها و جنایتکاران متفرقه مستقر کنند؟ تجربه زنان کوبانی راهی است که میتواند در کل عراق و فردا در سوریه و ایران و هر جا تکرار شود. این یک سنگر مهم و ضروری و مبرم در شرایطی است که سرمایه داری قلاده اسلام و فاشیسم را رها میکند تا مردم را بعد از یکدوره جنایت سبعانه به ارتجاع مخفی راضی کند. یعنی نیروهایی را سر کار بیاورد که یا تا دیروز متحد داعش بودند و یا ماهیتاً با پدیده داعش تفاوتی ندارند.

نکته اساسی اما اینست که باید از قبل آماده شد. از نظر سیاسی و عملی و سازمانی باید آماده شد. زن اسیر در خرافات و قدرت سر عشیره های "ابزدی" نمیتواند یک شبه مسلح شود و از خودش دفاع کند. نهایتاً فرار میکند و آواره میشود. جنبش برای آزادی و برابری باید قدمهایی را بردارد و پتانسیل اقدامات



تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

ایران: ازدواج کودکان

ازدواج سی هزار دختر زیر ۱۵ سال در ۹ ماه ابتدایی سال ۹۲



قرن بیست و یکم است اما در ایران کودکان از دست جانوران اسلامی امنیت ندارند. آمارهای حکومتی که با واقعیات فاصله زیادی هم دارد، از دو برابر شدن ازدواج کودکان زیر ۱۰ سال در یک دوره سه ساله سخن میگویند! کمبود مهد کودک در ایران ۹۰٪ است اما نرخ رشد ازدواج کودکان ۴۵٪.

وقتی بوکوحرام و داعش دسته دسته زن و کودک میزدند و به حکم شرع انور اسلام به آنها تجاوز میکنند، چرا داعش های حاکم در ایران قانون ازدواج سرپرست با فرزند خوانده را تصویب نکنند و ازدواج کودکان این رشد سرسام آور را پیدا نکنند؟

اگر عدالتی در جهان موجود بود باید دادگاهی جهانی علیه این پدوفیلیسم اسلامی اقامه دعوا میکرد. اما ظاهرا این "فرهنگ مردم" این کشورهاست که این جنایات را رسمیت داده و اساسا هرچه بر این مردم بحث برگشته در کشورهای اسلام زده میگذرد، ظاهرا در ژن و تاریخ و فرهنگ خود این مردم ریشه دارد! با این توجیهاات میخواهند یادمان برود که اتفاقا این جانوران و تروریست ها را دول غربی و در راس آنها امریکا به مردم این کشورها تحمیل کردند.

مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!



نگاه جامعه به زن!

شهلا نوری

طبق عادت روزانه مشغول نگاه به سایت‌های گوناگون بودم که تیتیر این خبر (ازدواج پایاپای؛ در دسرهای یک سنت یمنی) توجه ام را جلب کرد. زندگی مشترکی که بر اساس ازدواج پایاپای ساخته می‌شود بخشی از رسوم قبیله ای مردم یمن است. معمولاً دختری از یک خانواده به عقد پسری از خانواده ای دیگر در می‌آید به این شرط که آنها هم دختر خود را به عقد پسر خانواده مربوطه در آورند. در صورتیکه هر دو زوج جوان با هم به تفاهم برسند مشکل حقوقی ایجاد نمی‌شود. ولی وقتی یکی از زوجین به اختلاف برخورد کند و مرد تصمیم بگیرد همسر خود را به خانه پدرش بفرستد خانواده دیگر هم عروس خود را وادار به جدایی می‌کند. طبق سنت‌های اسلامی بچه‌ها هم نزد پدر و خانواده پدری می‌مانند.

استبداد سیاسی، سنت‌های باقی مانده از زندگی قبیله ای و سلطه اسلامی مانع بزرگی در مقابل زنان است. یمن فقیرترین کشور جهان عرب می‌باشد. نیمی از جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بیش از ۷۰ درصد زنان در یمن بیسواد هستند.

یمن از نظر شاخص شکاف جنسیتی (تفاوت میان دو جنس در چهار بعد سیاسی، اقتصادی، آموزش، بهداشت) در میان دیگر کشورهای جهان رتبه آخر را دارد.

زنان یمن در زمان خیزش‌های توده ای در منطقه به خیابانها آمدند تا گوشه ای از خواسته‌های خود را به کرسی بنشانند. اما بر اساس گزارشات آژانس‌های بین المللی، وضعیت زنان بعد از این تحولات بسیار وخیمتر از گذشته شد. بر اساس گزارش آژانس بین المللی آکسفام: یک چهارم از زنان یمنی با میانگین سنی ۱۵ تا ۴۹ سال از سوء تغذیه رنج می‌برند.

اتفاقی که در یمن افتاده شبیه اتفاقات لیبی، سوریه، افغانستان، پاکستان و عراق است. فشار باندهای اسلامی زندگی زنان در این مناطق را صدها سال به عقب برگردانده است. اسلام سیاسی همه تلاش خود را جهت سرکوب خواسته‌های زنان به بهانه "غرب سنیزی" انجام خواهد داد. آنها با هر آنچه که نشانی از برابری طلبی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی زنان داشته باشد به بهانه جلوگیری از پیشروی فرهنگ غربی و "بیگانه" مخالفت می‌کنند تا زنان را به خانه و نقش تعریف شده قبلی شان بر گردانند با اسم رمز "حفظ منافع ملی"، "آبروی ملی" و "فرهنگ اسلامی"، آپارتاید جنسی را بر جامعه حاکم کنند. زنان در کشورهای اسلام زده باید علیه سلطه کثیف اسلام سیاسی و آپارتاید جنسی بپاخیزند!

بوکو حرام دختران ربوده شده را میفروشد!

"به زودی دختران را به دستور الله در بازار خواهید دید"

مردم و خانواده‌های سیصد دختر ربوده شده هر روز در نیجریه اعتراض و تظاهرات میکنند. دولت نیجریه و تیم‌های اعزامی امنیتی کشورهای دیگر هم ظاهراً از پیدا کردن محل اختفا و نجات این دختران عاجزند. بوکو حرام خلف داعش، اخیراً "خلافت اسلامی" اعلام کرده و رئیس این گروه تروریستی گفته است که در مناطق آنها دختران نباید مدرسه بروند بلکه باید شوهر کنند.

در ویدئویی که اخیراً از این گروه منتشر شده، یکی از اعضای این گروه می‌گوید: "ما دختران شما را ربودیم. به زودی آنها را به دستور الله در بازار خواهید دید. من دختران را از شر آموزش‌های غربی ربودم و شما ناراحتید؟ آموزش غربی باید پایان یابد! دختران باید ازدواج کنند."

خانواده‌های دختران ربوده شده که ماهیت این گروه و امثال داعش را می‌شناسند، نگران تجاوز دسته جمعی به دختران، بزور شوهر دادن آنها به تروریستها، و فروش آنها به مافیای سکس برای بردگی جنسی اند. معلوم نیست این "الله" چرا هرچه مصیبت دارد بر سر زنان نازل میکند و نمایندگانش بوکو حرام و داعش و القاعده و طالبان و جمهوری اسلامی اند!

به سازمان آزادی زن پیوندید!